اعالمیه حزب کمونیست )مائوئیست( افغانستان به مناسبت هشت مارچ روز جهانی زن

**مبارزه، برای رهایی زنان، جزء از مبارزه برای رهایی کل بشریت است!**

هشت مارچ- روز جهانی زن-روز همبستگی و اتحادِزنانِمبارز و زحمتکشِ جهان برای رهایی از یوغ ستم و بردهگی است. بیش از یک قرن است که پرچم خونچکان هشت مارچ، در سنگری آزادی و مبارزهی زنان دراِهتزار است. هشت مارچ، پیامآورِ رهایی زنان

از اِسارت نظام پوسیدهای طبقاتی وساختن جهانِ نوین است. هشت مارچ، روز تجدید پیماناِیستادنو در صفِ مبارزه برای رهایی زنان و کل نوع بشر است. این روز تا آن زمان، تجلیل خواهد شد کهیچ زنی در جهان در اِسارت نباشد.

سرمایهداری به گونه عریان، اکثریت انسانهایِکره زمین را به اِسارت و بردگی اقلیتِ ستمگر درآورده است. این نظام طبقاتی، جهان را به بهشتی برای سرمایهداران و دوزخی برای زحمتکشان تبدیل کرده است. اگر میخواهید ضرورت دگرگونی و تغییر در وضعیت موجود را درک کنید به اطفال، زنان و مردم فلسطین در نوار غزه نگاه کنید که چگونه بهشکل فجیع قتلعام میشوند. به زنان و مردم اوکراین نگاه کنید که چگونه توسط بمبارانهای هوایی و راکتی کور، زندگی شان نابود میگردند. به ملیونها زن و مرد و اطفال گرسنهی که در زاغهنشینهای شهرهای جهان، بدون کمترین امکانات برای زنده ماندن تقال میکنند، توجه کنید. به زنان افغانستان توجه کنید که با خشونت جنونآمیز طالبی از کلیه عرصههای زندگیبه کُنج خانهها رانده شدهاند .

هشت مارچ امسال در حال از راه میرسد که دو سال و هفت ماه از امارت زن ستیز طالبان بر افغانستان میگذرد. این گروه از هیچگونه تجاوز به ساحتِ زندگی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و خصوصی زنان دریغ نکرده است. دو ماه قبل این گروه، تعدادی از دختران و زنان جوانان را از سرکها و کوچهها ربودند و آنها را شکنجه کردند و تعدادشان هنوز در بند طالبان هستند. دشمنی و تضاد طالبان با زنانرا پایانِ نیست. این باند زنستیز از زنان بردهگی و فرودستی کامل میطلبد. طالبان همه چیز را از زنان گرفتهاند: آزای، حق کار، حق تحصیل، حق انتخاب و حتی حق بیرون رفتن از خانه را. در بدل آن اما، ثمره حاکمیت جنونوار طالب بر افغانستان بردهگی، اِسارت، اِنزوااَ،فسردگی و ترس برای زنان بوده است. زنان اما برای آزادی و رهایی شان میرزمند، آزادی که بدون سرنگونی طالبان ممکن نیست. زنان میخواهند زندگی کنند و آزادی داشته باشند. نمیتوانند زنجیره اِسارت و بردهگی را که طالبان به گردن آنها

انداختهاند بپذیرند و با توحش و جنون مذهبی طالب سازش کنند. این جاست که مبارزه ادامه مییابد.

مبارزهی زنان برضد حاکمیت زنسیتز طالب، به خط مقدم مبازرهی زنان جهان برای آزادیشان تبدیل گشته است. این امر به این دلیل است که هم دهشت و درنده خویی طالبان، علیه زنان عریان و فوقالعاده خشن است و هم بیحقوقی و اسارت زنان افغانستان امروز در جهان بیمانند. زنان مبارز و نترس افغانستانیکه چشم در چشم طالبان اِیستادهاِ؛سارت، شکنجه و مرگ را به جان میخرند به مبارزات رهاییبخش زنان شکوه ویژه بخشیده است. هرچه بیشتر، مبارزه و جنبش زنان افغانستان جنبۀ مردمی، انقالبی و مستقل به خود گیرد تأثیرگذاری آن بر جنبش مبارزاتی زنان جهان بیشتر خواهد شد.

جنبش مبارزاتی زنان افغانستان، برای اینکه عُمق و گسترش یابد، باید مستقل، دموکراتیک، مردمی، ضدامپریالیست و ضدارتجاع باشد. از التفات به قدرتهای امپریالیستی دست بردارد. اکنون آفاتهای متعدد نیرو و توان جنبش مبارزاتی زنان افغانستان را تضعیف میکند. این آفات، در نگاه لیبرالی و تکیه به قدرتهای امپریالیستی فعالین زنان نهفته است. جنبش زنان باید از ایناِنحراف و اَفت

دوری کنند. همین نگاه لیبرالی غالب بر فعالین زنان کشور، سبب شده که فعالین زنان به جای سازماندهی جمعی زنان و دختران و گسترش آن، به سلیبرتی سازی مصروف شوند و به جای تالش برای ساختن برنامه، به فعالیتهای موقتی و واکنشی متوسل گردند.

بدون تئوری انقالبی جنبش انقالبی وجود ندارد. این امر در مورد جنبش زنان نیز صادق است. جنبش زنان نیز بدون تئوری انقالبی تعمق و گسترش نخواهند یافت. از این رو فعالین زنان، باید به مسایل تئوری توجه کنند. برای تدوین برنامۀ دموکراتیک و تودهای زنان و ایجاد تشکیالت مستقل کار کنند. حرف دیگر این است که -اگر معیار آزادی یک جامعه با میزان آزادی زنان آن جامعه قابل سنجش است؛ معیار و تشخیص مردمی بودن و انقالبی بودن یک تشکیالت و حرکت را باید با معیار طبقاتی آن سنجید. به این معنی که آیا این حرکت در خدمت اکثریت تودهای تحتستم قرار دارد و یا به التفات قدرتهای امپریالیستی چشم دوخته است.

رهایی زنان، بدون رهایی کل جامعه ممکن نیست. این امر هرگز به معنی تعویق انداختن خواستها و مطالبات زنان در آینده نامعلوم نیستند؛ بلکه به این معنی است که این خواست و مطالبات زنان باید با منافع کارگران، دهقانان، روشنفکران و کلیه زحمتکشان جامعه در ارتباط ارگانیک قرار گیرد. پیوند و همبستگی میان این جنبشها به غنا و کیفیت تیوریکی و سازمانی آنها میآفزاید و خط تمایز میان دوست و دشمن را روشنتر میکند.

اکنون که زنان و مردم افغانستان در چنگالاَهریمنانِ تاریکاندیش طالب گرفتار آمدهاند ، راه خالصی از این وضعیت، اتحاد کارگران

* کلیه زحمتکشان کشور، تحت رهبری حزب پیشاهنگ است. استراتژی مبارزاتی حزب، برای سرنگونی ارتجاع حاکم و حامیان امپریالیستی شان «جنگ خلق» و برنامه حداقل آن انجام انقالب دموکراتیک نوین و استقرار دیکتاتوری دموکراتیک خلق، و گذار به انقالب سوسیالیستی است.

حزب کمونیست )مائوئیست( افغانستان

8 مارچ 2024